

Original Article

Analyzing the Prevention of Environmental Crimes in the light of the United Nations Guidelines based on the Ethical Principle of Prevention of Harm

Alireza Mirkamali^{1*}, Amin Hajivand²

1. Assistant Professor, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

Email:sarmirkamali@yahoo.com

2. MSc Student of Criminal Law and Criminology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

Received: 12 Feb 2018 Accepted: 5 May 2018

Abstract

Background and Aim: Considering the significance of prevention as one of the most important issues in ethical and legal systems, and increasing the risk of environmental crimes, this study aimed to analyze the prevention of environmental crimes in the light of UN guidelines.

Materials and Methods: This analytical study examines the prevention of environmental crimes in the light of the UN guidelines. This analysis is done based on the ethical principle of prevention of harm.

Findings: Given the globalization of environmental damages, green criminologists have focused on the principle of no harm. They have recognized environmental harm as the criterion in the definition of the environmental crime rather than criminalization. The United Nations has adopted guidelines for the prevention of crime in 1996 and 2002 in the Economic Council to promote crime prevention programs at the national level. The key principles in these guidelines included: government governance, crime prevention in social and economic policies; participatory prevention; accountability; sustainability; cost-benefit analysis; knowledge-based; compliance with the Human rights; solidarity, Interdependency and differentiation.

Conclusion: The utilization of the principles of the United Nations Guidelines focusing on the ethical Principle of Prevention of harm, can help us to prevent environmental crimes. In order to prevent environmental damage and harm, participation of the civil society in the field of protection of environment is recommended through providing access of the citizens and empowering them, as well as, supporting community-based and non-governmental organizations.

Keywords: Prevention; Environmental Crime; United Nations; Human Rights; Bioethics; No Harm

Please cite this article as: Mirkamali AR, Hajivand A. Analyzing the Prevention of Environmental Crimes in the light of the United Nations Guidelines based on the Ethical Principle of Prevention of Harm. *Bioethics Journal* 2017; 7(26): 61-75.

تحلیل پیشگیری از جرایم زیست‌محیطی در پرتو دستورالعمل‌های سازمان ملل متحد و اصل اخلاقی پیشگیری از ضرر

علیرضا میرکمالی^{۱*}، امین حاجی‌وند^۲

۱. استادیار، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول) Email:sarmirkamali@yahoo.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۲۳ پذیرش: ۱۳۹۷/۲/۱۵

چکیده

زمینه و هدف: نظر به اهمیت پیشگیری به عنوان یکی از مهم‌ترین مقوله‌های مطرح در نظام‌های اخلاقی و حقوقی از یکسو و افزایش ارتکاب جرایم زیست‌محیطی از سوی دیگر، این تحقیق با هدف تحلیل پیشگیری از جرایم زیست‌محیطی در پرتو رهنمودهای سازمان ملل متحد انجام شده است.

مواد و روش‌ها: این مطالعه تحلیلی به بررسی پیشگیری از جرایم زیست‌محیطی در پرتو رهنمودهای سازمان ملل متحد می‌پردازد. این تحلیل بر مبنای اصل پیشگیری از ضرر در اخلاق زیستی انجام شده است.

یافته‌ها: با توجه فراملی شدن ضررهای زیست‌محیطی، جرم‌شناسان سبز، اصل عدم ضرر را مرکز توجه قرار داده‌اند و آنچه را که در تعریف جرم زیست‌محیطی ملاک قرار می‌دهند، ضرر زیست‌محیطی و نه جرم‌انگاری آن است. سازمان ملل متحد، در سال‌های ۱۹۹۶ و ۲۰۰۲ رهنمودهای پیشگیری از جرم را جهت ترویج برنامه‌های پیشگیری از جرم در سطوح ملی، به تصویب رسانیده است. اصول مؤکد در این رهنمودها عبارتند از: راهبری دولت، در نظر قراردادن پیشگیری از جرم در سیاستگذاری‌های اجتماعی و اقتصادی؛ پیشگیری مشارکتی؛ پاسخگویی، پایداری و محاسبه گری و تحلیل هزینه - فایده؛ دانش‌محوری؛ رعایت موازین حقوق بشری؛ همبستگی و تمایز.

نتیجه‌گیری: عمل به اصول مطروحه در رهنمودهای سازمان ملل متحد با محوریت اصل پیشگیری از ضرر زیستی می‌تواند ما را در پیشگیری از جرایم زیست‌محیطی یاری نماید. به منظور پیشگیری از آسیب‌ها و جرایم زیست‌محیطی، مشارکت جامعه مدنی در عرصه محیط زیست از طریق فراهم‌نمودن دسترسی شهروندان و توانمندسازی آنان و نیز حمایت از سازمان‌های مردم‌نهاد و جامعه‌محور توصیه می‌گردد.

واژگان کلیدی: پیشگیری؛ جرایم زیست‌محیطی؛ سازمان ملل متحد؛ حقوق بشر؛ اخلاق زیستی؛ ضرر‌نرسانی

مقدمه

بحران‌های زیست‌محیطی موجب توجه اندیشمندان به ویژه از دهه ۱۹۶۰ به بعد را به خود جلب نموده است. از هنگامی که بحران زیست‌محیطی به طور جدی احساس گردید، کنفرانس سازمان ملل متحد که در سال ۱۹۷۲ میلادی با عنوان «انسان و محیط زیست» برگزار گردید، بنای مطالعات مرتبط در زمینه حفاظت از محیط زیست را پایه‌ریزی نمود. حق برخورداری از به عنوان یک حق بنیادین بشری مطرح است. این حق در عالی‌ترین سند حقوقی کشور، یعنی قانون اساسی نیز مورد توجه قرار گرفته است. به موجب اصل پنجاهم قانون اساسی، جمهوری اسلامی ایران، حفاظت از محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌گردد. این اصل در نوع خود کم‌نظیر است، چراکه مفاد آن در عین مختصر بودن، چارچوب کلی نظام حفاظتی را تبیین می‌نماید. بحث پیشگیری از بزه‌کاری نیز یکی از مسائل بسیار مهمی است که در ادبیات حقوق کیفری مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. رعایت اصل «پیشگیری بهتر از درمان است» می‌تواند تأثیر عمیقی در بهبود زندگی اجتماعی - اقتصادی انسان داشته باشد.

پیشگیری از جرم مدلهای مختلفی دارد که مهم‌ترین آن‌ها پیشگیری سه مرحله‌ای، وضعی و اجتماعی می‌باشد. مدل پیشگیری سه مرحله‌ای که بر اساس الگوی پزشکی در سال ۱۹۶۷ وارد جرم‌شناسی شد، به سه مرحله اولیه، ثانویه و ثالث تقسیم می‌شود. پیشگیری اولیه مشتمل بر اقداماتی است که موجب از بین رفتن یا کاهش فرصت‌های مجرمانه می‌شود و یا از به وجود آمدن آن‌ها جلوگیری می‌کند، بدون این‌که به جرم یا مجرم خاصی توجه شود. به عبارت دیگر مخاطب این سطح از پیشگیری کلیه افراد جامعه هستند. اقدامات انجام‌شده در حوزه گسترش آموزش و پرورش و تدابیر اقتصادی و اجتماعی کلان همچون کاهش سطح فقر، بیکاری و ارتقای سطح سلامت و آگاهی عمومی در این سطح قرار می‌گیرد. پیشگیری ثانویه رویکرد خطر محور است، بدین معنا که در این سطح، با شناخت اوضاع و احوال خطرناک و افرادی که

احتمال ارتکاب جرم در این وضعیت را دارند، سعی در ایجاد تغییرات در این شرایط می‌شود تا از وقوع جرم پیشگیری گردد. بنابراین در این حالت یک گام تا بزه‌کاری نمانده است و چنانچه اقدامات پیشگیرانه اتخاذ نشود، وقوع جرم بسیار محتمل است. در پیشگیری سطح سوم، موضوع شخصی است که مرتکب بزه شده است و در واقع برنامه‌های پیشگیری جهت ممانعت از تکرار جرم صورت می‌گیرد. در پیشگیری ثالث با افرادی سر و کار داریم که بیمار هستند و اقدامات پیشگیرانه ناظر به این مرحله جهت از بین بردن بیماری، درمان بیماران و پیشگیری از ابتلا به بیماری در آینده می‌باشد (۱). پیشگیری نوع اول و دوم در قلمرو مطالعات جرم‌شناسی پیشگیرانه قرار دارد، ولی پیشگیری ثالث به حوزه مطالعاتی نظام عدالت کیفری و جرم‌شناسی بالینی مربوط می‌شود (۲).

الگوی دیگر پیشگیری از جرم، تقسیم برنامه‌های پیشگیری به وضعی و اجتماعی است. پیشگیری وضعی از جرم درصدد آن است که با ایجاد تغییر در شرایط پیشاجنبایی و حفاظت از آماج جرم، نرخ بزه‌کاری را کاهش داده یا از بین ببرد. از جمله مصادیق این مدل را می‌توان به نصب حفاظ در خانه‌ها، نصب دوربین مداربسته و وجود و قرارگیری نهادهای رسمی و دولتی مانند پلیس در مناطق با خطر بالای جرم نام برد. پیشگیری اجتماعی به معنای مداخله در محیط‌های شخصی و عمومی فرد است تا بتوان با تأثیرگذاری در آن‌ها از فرآیند بزه‌کار شدن فرد جلوگیری نمود.

پیشگیری از جرم در چند دهه اخیر به طور ویژه توجهات سیاستگذاران را در حوزه عدالت کیفری به خود جلب کرده است. در این راستا برنامه جرم سازمان ملل متحد از بدو تشکیل خود نیاز به اتخاذ تدابیر مؤثر برای پیشگیری از جرم را مد نظر قرار داده است. این موضوع خود حاکی از اهمیت اقدامات پیشگیرانه، یعنی تدابیر غیر قهرآمیز در سیاست جنایی سازمان ملل است. ماحصل این موضوع آن است که شورای اقتصادی - اجتماعی در سال ۱۹۹۶ و ۲۰۰۲ رهنمودهای پیشگیری از جرم را جهت ترویج برنامه‌های پیشگیری از جرم در سطح ملی، به تصویب رساند. در اکثر جرایم زیست‌محیطی اعاده به وضع سابق و مطلوب امکان‌پذیر

نیست. در کشور فرانسه به موجب ماده ۳ منشور اساسی محیط زیست، مصوب سال ۲۰۰۵ میلادی، پیشگیری جزء وظایف قانونی هر شخصی قلمداد شده است که این اهمیت بحث پیشگیری در این دسته از جرایم به عنوان جرایم علیه بشریت را نشان می‌دهد (۳). ماده ۳ مقرر می‌دارد که «هر شخصی موظف است در چارچوب تعیین شده توسط قانون از آسیب‌هایی که زمینه‌ساز ورود خسارت به محیط زیست می‌شوند، پیشگیری و آثار آن را محدود نماید.»

جرایم زیست‌محیطی امروزه مرزهای کشورها را درنوردیده و تبدیل به بحرانی بین‌المللی شده است. بدین ترتیب هر یک از کشورها علی‌رغم اتخاذ تدابیر ویژه برای پیشگیری از این جرایم، باید به اصولی نیز پایبند باشند که منجر به مؤثر واقع شدن برنامه‌های پیشگیری شود. پیشگیری از جرایم زیست‌محیطی به نحوی است که گونه‌های مختلف پیشگیری اعم از پیشگیری وضعی و اجتماعی، درگیر در موضوع پیشگیری از این جرایم است. به کارگیری هر یک از گونه‌های پیشگیری بدون لحاظ برنامه پیشگیرانه از گونه دیگر پیشگیری می‌تواند، موجب اخلاف یا کندی در پیشگیری از جرایم زیست‌محیطی گردد، بنابراین لازم است تا اصولی را برای گونه‌های پیشگیری تعریف کرد.

حیدرزاده و مظفری‌زاده (۲۰۱۳ م.) در مطالعه خود با عنوان «پیشگیری از جرایم زیست‌محیطی»، بر اساس قوانین و وضعیت موجود به بررسی پیشگیری از جرایم زیست‌محیطی پرداخته‌اند (۴)، اما اهمیت پیشگیری از جرایم زیست‌محیطی و اصول بخشیدن به آن، در پرتو رهنمودهایی که سازمان ملل متحد به عنوان یک کنشگر بین‌المللی مطرح می‌نماید، از این جهت نیز دارای اهمیت است که این رهنمودها و اصول بنیادین، بایستی در قلمرو اخلاق زیستی نیز مورد توجه قرار گیرد، چراکه یکی از اصول مهم اخلاق زیستی، اصل پیشگیری از ضرر یا ضررنرسانی است. اخلاق زیستی به عنوان شاخه‌ای جدید از اخلاق هنجاری کاربردی، به تبیین پاسخ‌ها و راهبردهای اساسی در مواجهه با پرسش‌ها و چالش‌های ناشی از ظهور و بروز فناوری‌های نوین زیستی می‌پردازد (۴). امروزه

توجه به اصل ضرر زیستی باعث شده است تا به سرمنشأ اصلی آن، یعنی جرایم زیستی محیطی توجه مضاعفی معطوف شود. این پژوهش در پی پاسخ به این سؤال است که با توجه به ویژگی‌های خاص جرایم زیست‌محیطی، اصول حاکم بر پیشگیری این دسته جرایم چیست؟ علاوه بر آن، چه مؤلفه‌هایی را می‌بایست در طراحی برنامه‌های پیشگیری از جرایم زیست‌محیطی مد نظر داشت؟ به همین منظور، در این مطالعه ابتدا مفهوم جرایم زیست‌محیطی و اصل پیشگیری از ضرر در موضوع زیست‌محیطی تبیین گردیده و پس از آن اصول حاکم بر پیشگیری از جرایم زیست‌محیطی در پرتو رهنمودهای سازمان ملل متحد با محوریت اصل اخلاقی پیشگیری از ضرر تحلیل می‌گردد.

مواد و روش‌ها

این مطالعه تحلیلی به بررسی و تبیین پیشگیری از جرایم زیست‌محیطی در پرتو رهنمودهای سازمان ملل متحد می‌پردازد. این تحلیل بر مبنای اصل پیشگیری از ضرر در اخلاق زیستی انجام شده است.

۱- مفهوم‌شناسی

۱-۱- جرایم زیست‌محیطی: حقوقدانانی که با رویکرد حقوقی به موضوع تعریف جرم می‌نگرند، دیدگاهی متفاوت از جرم‌شناسانی دارند که رویکردی حقوقی - اجتماعی را سرلوحه کار خویش قرار می‌دهند. در این مطالعه ابتدا دیدگاه حقوقی و سپس دیدگاه جرم‌شناسانه را در تعریف جرم زیست‌محیطی مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهیم.

۱-۱-۱- رویکرد حقوقی: مطابق با رویکرد حقوقی، جرم زیست‌محیطی به فعل یا ترک فعلی اطلاق می‌شود که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد. در واقع، در این رویکرد مطابق با اصل قانونی‌بودن جرایم و مجازات‌ها که در ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز تبلور پیدا کرده است، تعریف قانون‌مدار و قانون‌محور مد نظر قرار می‌گیرد، آنچه که توسط سزار بکاریا در کتاب رساله جرایم و مجازات‌ها و منتسکیو در کتاب روح‌القوانین تحت عنوان اصل قانونی‌بودن جرم و مجازات مدنظر این اندیشمندان قرار گرفت.

۱-۱-۲- رویکرد جرم‌شناسانه (جرم‌شناسی سبز): علی‌رغم آنکه بزه‌کاری همچنان به معنی نقض قانون است، اما در مشکلات زیست‌محیطی موضوع به این سادگی نیست، چراکه با وجود این‌که محیط زیست مؤلفه مشترک میان تمامی انسان‌ها در سراسر دنیا است، قوانین یکسانی در رابطه با استفاده از آن وجود ندارد. به نحوی که بسیاری از فعالیت‌های انسانی نابودکننده محیط زیست، غیر قانونی محسوب نمی‌شوند (۸). با توجه به این‌که امروزه ضررهای زیست‌محیطی فراملی شده است، جرم‌شناسان سبز، اصل عدم ضرر را مرکز توجه قرار داده‌اند و آنچه را که در تعریف جرم زیست‌محیطی ملاک قرار می‌دهند، ضرر زیست‌محیطی و نه جرم‌انگاری آن است. در واقع بسیاری از جرم‌شناسان سبز در نظام جرم‌انگاری جرایم زیست‌محیطی، تابع رویکرد حقوق بشری هستند. رویکرد حقوق بشری مدعی است که جرم هنگامی رخ می‌دهد که حقی از حقوق بشر نقض شده باشد، خواه آن عمل قانونگذاری شده باشد، خواه خیر (۹). جرم‌شناسان سبز با توجه به منافع بشر و مشکلات زیست‌محیطی، ضرر را ملاک جرم زیست‌محیطی دانسته‌اند و اصل قانونمندی و تعاریف رسمی جرم از جانب نظام عدالت‌کیفری را زیر پا می‌گذارند (۱۰).

سزار بکاریا اصول مختلفی را در کنار اصل قانونی بودن جرم و مجازات مطرح نمود که در ابتدا اصولی مطلق و دائمی تلقی می‌شدند، اما با پیشرفت جوامع و صنعتی شدن، امروزه این اصول بکاریایی سنتی قلمداد می‌شوند و نمی‌توانند پاسخگوی نیازهای جوامع مدرن امروز باشند. ما امروزه از یکسو شاهد فنی و تخصصی شدن جرایم و از سوی دیگر شاهد پرخاطر شدن بزه‌کاران در برخی از جرایم هستیم. به یقین می‌توان گفت که با فنی و تخصصی شدن جرایم، این اصول نمی‌تواند الگویی برای تمامی انسان‌ها و بزه‌کاران باشد. بنابراین تحت تأثیر جهانی شدن حقوق کیفری است که شاهد هم‌سوگرایی کشورها در عدول از این اصول در موارد ضروری هستیم. یکی از اصولی که صبغه فقهی و شرعی هم دارد و در اصول بکاریا نیز مطرح شده است، اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها است. اصل قانونی بودن جرم و مجازات با وجود این‌که سبب تأمین امنیت

اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها سبب تأمین امنیت قضایی شهروندان می‌شود. اصل قانونی بودن جرم و مجازات بدین مفهوم است که هیچ عملی جرم نیست، مگر به موجب قانون و هیچ عملی قابل مجازات نمی‌باشد، مگر به حکم قانونگذار که این اصل، مفهومی حقوق بشری و تضمین‌کننده آزادی‌های فردی است (۵).

جرم زیست‌محیطی یا جرم زیست‌بوم به هر فعل یا ترک فعلی اطلاق می‌شود که دارای ارتباط مستقیم با ملاحظات زیست‌محیطی باشد (۶). عنصر قانونی جرم زیست‌محیطی در حقوق ایران، قوانین و مقرراتی هستند که در آن‌ها فعل یا ترک فعل موجب ایراد صدمه و آسیب به محیط زیست مشخص شده است و برای مرتکب یا مرتکبین نیز بر حسب مورد مجازات تعیین شده است (۷). بنابراین هر گونه ایراد خسارت نسبت به اجزای جاندار و غیر جاندار اکوسیستم، اعم از آنکه در قالب تخریب یا آلودگی باشد، جرم زیست‌محیطی قلمداد می‌شود. طبقه‌بندی‌های مختلفی در خصوص جرم زیست‌محیطی ارائه شده است. در قوانین و مقررات ایران، جرم زیست‌محیطی گاهی به شکل عام و در مواردی به گونه‌ای خاص مورد توجه واقع شده است. از جمله مواردی که جرم زیست‌محیطی در معنای عام مورد توجه قرار گرفته، ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ است. صرف نظر از تبیین عام جرم زیست‌محیطی، موارد خاص متعددی نیز وجود دارد که برخی از این موارد عبارتند از: جرم آلودگی آب که در بند ۳ ماده آیین‌نامه جلوگیری از آلودگی آب تعریف شده است و دیگری جرم آلودگی هوا که در قانون هوای پاک مصوب ۲۵ تیر ماه ۱۳۹۶، بند اول ماده ۱ تعریف شده است.

ما در حوزه قوانین کیفری ماهوی جرایم زیست‌محیطی با تورم کیفری مواجه هستیم که نتیجه آن سردرگمی تابعان حقوق کیفری است. یکی از این سردرگمی‌ها در تشخیص نسخ و منسوخ بودن قوانین کیفری قابل مشاهده است. یکی از موارد مشهود و بارزی که در قوانین حاضر موجود است و تشخیص نسخ و منسوخ بودن به سختی قابل احراز است، قانون هوای پاک مصوب ۱۳۹۶ می‌باشد.

نمود، چراکه بزه‌دیدگان جرایم زیست‌محیطی امروزه فقط انسان‌ها نیستند، بلکه مطابق با بزه‌دیده‌شناسی سبز، طبیعت بزه‌دیده اصلی در جرایم زیست‌محیطی به شمار می‌رود (۱۲).

اصل ضررنرسانی در اخلاق زیستی که معادل قاعده لاضرر در اسلام می‌باشد (۱۳)، آسیب و ضرر را صرفاً خسارات زیست‌محیطی نمی‌داند، بلکه با رویکردی نوین به قضیه می‌نگرد. به عنوان مثال، امروزه قوانین متعددی در جهت حمایت از گونه‌های جانوری در عرصه بین‌المللی و ملی به تصویب می‌رسد و این مهم را به ما خاطر نشان می‌نماید که شاید در گذشته گونه‌های جانوری و حفاظت از آن‌ها به عنوان ارزشی بنیادین تلقی نمی‌شد، اما ضرر به حیات وحش نیز جزء ضررهای زیستی محسوب می‌گردد. بنابراین برای داشتن یک کره سالم، نیاز است تا توجه مضاعفی به مقوله پیشگیری از ضرر زیستی داشته باشیم، چراکه جرایم زیست‌محیطی، گاهی ضررهای غیر قابل جبرانی را به محیط زیست وارد می‌نمایند و نمی‌توان صحبت از اعاده و احیا و یا ترمیم محیط زیست نمود.

۲- رهنمودهای سازمان ملل و اصول حاکم بر پیشگیری از جرایم زیست‌محیطی

پیشگیری همیشه بر درمان ارجح است. این قاعده در ارتباط با محیط زیست و جنبه‌های پیشگیرانه آن برجستگی بیشتری دارد، چراکه در پاره‌ای از خسارات محیط زیستی در صورت وقوع، امکان اعاده وضعیت به حالت سابق وجود ندارد، مثلاً به سختی می‌توان نسبت به احیای مرجان‌های دریایی اقدام نمود (۱۴). با توجه به همین موضوع است که شاهد توجه به اصل پیشگیری در اسناد بین‌المللی مرتبط با محیط زیست نیز هستیم. بدین معنا که اصل پیشگیری یکی از مهم‌ترین اصول شناخته‌شده حقوق بین‌الملل محیط زیست می‌باشد و به عنوان «قاعده طلایی» در این حوزه تلقی می‌گردد. این اصل به طور صریح در اعلامیه ریو ۱۹۹۲ در مورد محیط زیست و توسعه پیش‌بینی شده است (۱۵). آنچه در این نوشتار به عنوان اصول حاکم بر پیشگیری از جرایم زیست‌محیطی مد نظر قرار گرفته، اصول اساسی پیشگیری در رابطه با عموم جرایم است که در اعلامیه «رهنمودهای پیشگیری از جرم» مصوب شورای اقتصادی اجتماعی سازمان

قضایی می‌شود، اما برای دفاع از جامعه خطرناک است، زیرا ممکن است اعمالی در واقع و فی‌ذاته، با مصالح و منافع اجتماعی تضاد داشته باشد و جرم‌انگاری نشده باشد، هرچند تمامی اشخاص قادر به ارتکاب جرایم زیست‌محیطی هستند، اما واقعیت آن است که امروزه در پس لابی‌های قدرت - ثروت، بزه‌های زیست‌محیطی مهم را بنگاه‌ها و شرکت‌های قانونی، سندیکاهای مجرمانه سازمان‌یافته و دولت‌ها مرتکب می‌شوند. آلودگی‌های صنعتی و نفتی، آلودگی هوا، انتشار آب آشامیدنی آلوده، زوال تنوع زیستی، تغییرات آب و هوایی، نقل و انتقال و فروش غیر قانونی زباله‌های سمی و مبادله غیر قانونی مواد هسته‌ای از جمله این بزه‌ها می‌باشد که توسط بزه‌کاران یقه سبز علیه محیط زیست صورت می‌گیرد. از آن رو که بیشتر دولت‌ها مرتکب جرایم زیست‌محیطی می‌شوند، غالب رفتارهای مخرب محیط زیست جرم‌انگاری نشده و یا در صورت جرم‌انگاری مقرراتی جهت پیگرد بزه‌کاران یقه سبز پیش‌بینی نشده است. در حالی که از منظر جرم‌شناسی سبز، رفتارهای مخرب محیط زیست، حتی اگر جرم‌انگاری نشده باشند، را باید جرم دانست.

۲-۱- اصل ضررنرسانی و پیشگیری از ضرر زیستی:

یکی از اصول بنیادین و مهم اخلاق زیستی، اصل پیشگیری از ضرر یا ضررنرسانی است. در واقع به موجب این اصل، پیشگیری از آسیب به عنوان یک قاعده طلایی، همواره بایستی مدنظر سیاستگذاران قرار گیرد. اصل پیشگیری از ضرر، تمامی ضررهای مادی، معنوی، آتی و نامحسوس را شامل می‌گردد (۱۱). بنابراین دامنه مفهومی ضرر گسترده است و جرایم زیست‌محیطی همواره دارای ضرر زیستی فرض می‌شوند. اثبات این امر نیز در پرتو اصول جرم‌انگاری امری ممکن به نظر می‌رسد. یکی از اصول جرم‌انگاری قاعده لاضرر می‌باشد، بدین معنا که هر رفتاری برای جرم تلقی شدن و کیفردهی، بایستی مطابق این اصل، ضرری برای جامعه داشته باشد تا نظام حقوقی را به جرم‌انگاری آن رفتار وا دارد. مطابق با این اصل هر یک از جرایم زیست‌محیطی دارای ضرر هستند، البته ضرر در جرایم زیستی را نمی‌توان محدود به ضررهای مادی دانست و یا این‌که ضرر زیستی را نمی‌توان تنها منحصر به انسان تلقی

ممنوعیت به صورت کنشی و پیشگیرانه را نیز مد نظر داشته است.

در همین راستا مطابق ماده ۱۳ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست، از جمله مهم‌ترین وظایف سازمان محیط زیست به عنوان یکی از معاونت‌های رییس‌جمهور، پیشگیری و ممانعت از هر نوع اقدام مخرب و برهم‌زننده تعادل و تناسب محیط زیست، است. همچنین قانون برنامه ششم توسعه که در اسفند سال ۱۳۹۵ با اصلاحاتی در مجمع تشخیص مصلحت نظام به تصویب رسید نیز در ماده ۳۸ خود به طور خاص دولت را مکلف کرده است تا اقداماتی را در جهت حفاظت از محیط زیست انجام دهد. برای مثال در بند «ج» ماده ۳۸ دولت موظف به «تهیه و اجرای طرح جامع پیشگیری و اطفای حریق در عرصه تحت مدیریت سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری و سازمان حفاظت محیط زیست با همکاری دستگاه‌های اجرایی، نظامی (در زمان صلح) و انتظامی شده است. ماده مذکور در قالب ۲۱ بند به تکالیف دولت در عرصه حفاظت از محیط زیست و پیشگیری از آسیب‌های زیست‌محیطی پرداخته است.

بنابراین مشاهده می‌شود که در ایران نیز پیشگیری از جرایم زیست‌محیطی یکی از تعهدات دولت دانسته شده است که باید این امر را در سطوح مختلف کشوری، استانی و محلی مورد توجه قرار دهد. در اصل پیشگیری از ضرر زیستی نیز، محور مطالعاتی اصلی برای پیشگیری از ضررهای جرایم زیست‌محیطی، دولت است. بدین معنا که دولت بایستی در جهت پیشگیری از ضررهای زیست‌محیطی گام‌های سازنده‌ای بردارد، اما از آنجایی که خود دولت در حال حاضر به عنوان اصلی‌ترین مرتکبان ضررهای زیستی فرض می‌شود، بایستی اخلاق زیستی، مسؤولیت کیفری دولت را نیز مورد بررسی قرار دهد (۱۷).

۲-۲- اصل توجه به پیشگیری از جرم در

سیاستگذاری‌های کلان: بند ۸ اعلامیه در رابطه با اصل فوق بیان می‌دارد که «اعتبارات پیشگیری از جرم باید به کلیه سیاست‌ها و برنامه‌ها اختصاص پیدا کند، از جمله به آن‌هایی که اشتغال، آموزش، بهداشت، مسکن و برنامه‌ریزی شهری،

ملل متحد در سال ۲۰۰۲ آمده است. بدین ترتیب در ادامه به بررسی این اصول در حوزه جرایم زیست‌محیطی پرداخته می‌شود.

۱-۲- اصل راهبری دولت: سند مذکور در بند ۷ خود در

توضیح این اصل بیان می‌دارد که «تمام سطوح دولت باید نقش راهبری در تهیه راهبردهای مؤثر و انسانی پیشگیری از جرم و ایجاد و حفظ چارچوب‌های سازمانی برای اجرا و مرور این راهبردها، ایفا کنند.» بر اساس این اصل تمام ارکان دولت و تمام نهادهای دولتی یا حاکمیت باید در حوزه مدیریت سیاستگذاری و اجرای تدابیر پیشگیری از جرم، نقش ایفا کنند. در کشور ما، مطابق ماده ۲ قانون پیشگیری از جرم مصوب ۱۳۹۴، باید شورای عالی پیشگیری از جرم تشکیل شود تا در راستای تهیه، تنظیم و تدوین سیاست‌های جامع و هماهنگ در زمینه پیشگیری از جرم گام برداشته شود. همچنین بر عملکرد نهادها در زمینه اجرای سیاست‌ها، نظارت صورت گیرد. لازم به ذکر است که این نهاد به عنوان نهادی فراقوه‌ای تشکیل شده است و در آن از قوای سه گانه نمایندگانی حضور دارند. در رابطه با جایگاه ویژه دولت در پیشگیری از آسیب‌های زیست‌محیطی، ماده ۱۵ اعلامیه ریو بیان می‌دارد که «برای حفاظت از محیط زیست، دولت‌ها باید متناسب با امکانات خود تدابیر احتیاطی وسیعی را اعمال کنند. در صورت خطر ورود صدمات شدید یا غیر قابل جبران، نبود دلایل قطعی علمی نباید بهانه برای تأخیر در اتخاذ تدابیر مؤثر جهت پیشگیری از صدمه به محیط زیست شود (۱۶).

در نظام حقوقی کشورمان، قانون اساسی به طور خاص به پیشگیری از آسیب‌های زیست‌محیطی توجه نموده و مقرر داشته است که «فعالیت‌های اقتصادی و غیر آنکه با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیر قابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است.» بنابراین با توجه به این‌که واضع ممنوعیت و مجری ضمانت اجرای نقض ممنوعیت، دولت در معنای عام است، تمام حاکمیت به موجب قانون اساسی در پیشگیری از تخریب و آلودگی محیط زیست مسؤول هستند. با دقت در لحن اصل مذکور نیز مشخص است که قانون اساسی درصدد آن بوده تا از تخریب و آلودگی پیشگیری کند و در واقع وضع

فقر، حاشیه‌نشینی اجتماعی و محرومیت را مورد هدف قرار دهد. باید توجه ویژه‌ای به جوامع، خانواده‌ها، کودکان و نوجوانان در معرض خطر معطوف شود.»

مطابق این اصل سیاستگذاران عرصه اقتصادی و اجتماعی باید در تصمیم‌گیری خود به پیشگیری از جرم توجه داشته باشند. در عرصه جرایم زیست‌محیطی نیز رابطه قابل توجهی بین سیاست‌های اجتماعی - اقتصادی و آسیب‌های زیست‌محیطی وجود دارد. رشد جمعیت جهان به عنوان یک مؤلفه اجتماعی و رشد سریع اقتصادی سبب فشار زیست‌محیطی بر تمام نظام‌های اقتصادی و اجتماعی شده است. مشکلاتی نظیر اثر گلخانه‌ای و تغییرات آب و هوایی، تخریب لایه اوزن، باران‌های اسیدی، کاهش تنوع زیستی، آلودگی به مواد سمی و تخریب منابع تجدیدپذیر و تجدیدنپذیر، از جمله آثار تصمیمات در حوزه اقتصاد و اجتماع بوده است. در این راستا اعلامیه کپنهاگ (اجلاس اجتماعی کپنهاگ، ۱۹۹۵ م.) بر توسعه اجتماعی تأکید ورزیده و در این رابطه به رابطه بین توسعه اقتصادی، اجتماعی و حفاظت از محیط زیست و وابستگی این مؤلفه‌ها به یکدیگر اشاره کرده است (۱۸).

عدم توجه به حفاظت از محیط زیست در برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی نتیجه‌ای جز تخریب و نابودی محیط زیست نخواهد داشت. نمونه این موارد را می‌توان در سنگاپور مشاهده کرد که به دلیل بدهی‌های فراوان، زمین‌های کشاورزی آن چنان مورد تهاجم و بهره‌برداری قرار گرفتند که راه برای ایجاد کویر باز شده است. در کاستاریکا برای این‌که صادرات گوشت را به آمریکا افزایش دهند، میلیون‌ها هکتار جنگل طبیعی را به چراگاه‌های دام تبدیل کرده‌اند که نتیجه آن تخریب جنگل‌ها و فرسایش خاک بوده است (۱۹). مثالی که از کشور خودمان در رابطه با تأثیر سیاست‌های اجتماعی - اقتصادی می‌توان زد، بحران دریاچه ارومیه است. بنا به گزارش برنامه‌ریزی مدیریت جامع دریاچه ارومیه، این دریاچه با دو دسته تهدیدات درونی و بیرونی مواجه است. در ظرف یک دهه گذشته افزایش طرح‌های توسعه و بهره‌برداری از آب و احداث بزرگراه شهید کلانتری شرایط دریاچه را تحت تأثیر قرار داده است. همچنین بهره‌برداری از جریان رودخانه‌ها از طریق سدها

و شبکه‌های وابسته باعث کاهش جریان آب ورودی شده و جزء تهدیدات خارج از تالاب قلمداد می‌شود (۲۰). این نمونه‌ها و سایر نمونه‌هایی که در خصوص آلودگی و تخریب محیط زیست مطرح می‌شود، همه بیانگر این مهم است که پیشگیری از جرم به عنوان یک قاعده طلایی بایستی در تمامی سیاستگذاری‌های مربوطه مد نظر قرار گیرد. از لحاظ اخلاق زیستی نیز می‌توان این‌گونه تحلیل نمود که یکی از چالش‌های اخلاقی موجود بر سر راه تحقق اصل پیشگیری از ضرر زیستی، عدم توجه به توسعه و پیشرفت اجتماعی - اقتصادی است.

۳-۲- اصل پیشگیری مشارکتی: گفته می‌شود که

سومین کنگره پنج سالانه ملل متحد درباره پیشگیری از جرم و اصلاح بزه‌کاران سوئد در سال ۱۹۶۵ میلادی، نخستین کنگره‌ای بود که موضوع مشارکت مردم در برنامه پیشگیری از جرم و عدالت کیفری را در قسمتی از برنامه خود مورد بررسی قرار داد. ۵ سال پس از آن نیز در چهارمین کنگره ملل متحد درباره پیشگیری از جرم و اصلاح بزه‌کاران، موضوع مشارکت سازنده مردم و نهادهای مردمی در سیاست جنایی، به عنوان یکی از موضوعات اصلی و مهم در دستور کار کنگره قرار گرفت (۲۱). ماده ۹ سند رهنمودهای پیشگیری از جرم سازمان ملل متحد مصوب ۲۰۰۲ میلادی نیز مقرر می‌دارد: «با فرض ماهیت متنوع علل جرم و مهارت و مسؤولیت‌های مورد نیاز برای برخورد با آن‌ها، همکاری و مشارکت باید جزء لاینفکی از برنامه مؤثر پیشگیری از جرم باشد. این امر شامل کار مشترک بین وزارتخانه‌ها و مقامات، سازمان‌های عمومی، سازمان‌های غیر دولتی، بخش بازرگانی و شهروندان خصوصی می‌شود.»

سازمان‌های غیر دولتی ارتباط تنگاتنگی با جامعه مدنی دارند (NGOs) (۲۲) و فعالیت آن‌ها در پیشگیری از جرایم زیست‌محیطی حائز اهمیت است. به طور مثال در مورد جنگل‌ها و رعایت اصول توسعه پایدار در قطع درختان، از مواردی بود که جز مسائل با حق تقدم بعد از ریو مطرح شد، مبنی بر این‌که جلوگیری از قطع بی‌رویه درختان جنگلی توسط دولت‌ها که در کنوانسیون‌های حفاظت از محیط زیست الزام‌آور اعلام شده، اما کشورها از آن‌ها تبعیت نمی‌کنند، لذا نقش NGOs زیست‌محیطی در حمایت از محیط زیست و

بگیرند. اصل پیشگیری مشارکتی در اصل بنیادین اخلاق زیستی نیز مورد توجه قرار گرفته است، چراکه به موجب اصل پیشگیری از ضرر به عنوان مهم‌ترین اصل اخلاق زیستی، بایستی همه آحاد جامعه در پیشگیری از ضرر زیستی مسؤولیت و مشارکت داشته باشند.

۴-۲- اصل پایداری و پاسخگویی: ثبات پیشگیری از

جرم مستلزم اختصاص بودجه کافی است (از جمله بودجه برای تأمین هزینه ساختار و فعالیت‌ها و تحلیل هزینه-فایده). شفافیت و پاسخگویی در قبال هزینه بودجه، اجرا و ارزیابی و نیل به نتایج برنامه‌ریزی شده، وجود داشته باشد. بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که مطابق این اصل باید بودجه خاص و مداومی در جهت تأمین برنامه‌های پیشگیری پیش‌بینی شود، تا از جرایم پیشگیری شود، اما در ایران اعتبار مشخصی برای پیشگیری از جرم به طور کلی تعیین نشده است.

در رابطه با پیشگیری از جرایم محیط زیستی نیز با توجه به تولید سازمان حفاظت از محیط زیست، بودجه این سازمان می‌تواند نشان‌دهنده رویکرد سیاستگذاران کشور را نسبت به مسائل محیط زیستی نشان دهد. مطابق اعلام سایت رسمی سازمان حفاظت از محیط زیست، بودجه این سازمان از ۱۷۰ میلیارد تومان در سال ۱۳۹۲ به ۶۵۰ میلیون تومان در سال ۱۳۹۶ رسیده است. برای مشخص شدن نسبت بودجه سازمان محیط زیست نسبت به بودجه کل کشور، در سال ۹۲ این نسبت معادل ۰/۸ درصد کل بودجه کشور بود که در سال ۹۶ به ۰/۲۱ درصد کل بودجه کشور رسیده است. قابل ذکر است که هرچند در بودجه سازمان و بودجه کشور به طور خاص به پیشگیری از جرایم زیست محیطی اشاره نشده، ولی در لایحه تقدیمی دولت به ردیف‌های خاص اعتباری برای گرد و غبار، تغییر اقلیم و کاهش آلودگی هوا پیش‌بینی شده است.

نتیجه آنکه با توجه به این‌که آسیب‌ها و جرایم محیط زیستی دارای تأثیر گسترده مستقیم و غیر مستقیم، کوتاه مدت و بلندمدت است، باید در جهت پیشگیری از این آسیب‌ها نیز برنامه‌های پیشگیرانه بلندمدت و کوتاه‌مدت تعیین شده و برای هر یک از برنامه‌ها نیز منابع مالی ضروری تأمین شود. پس از این اقدام است که می‌توان به ارزیابی یک

جلوگیری از قطع درختان جنگلی بسیار حائز اهمیت می‌باشد، از آن جمله اقداماتی در خصوص جلوگیری از قطع برخی از درختان استوایی و تحریم تجارت آن توسط NGOs زیست محیطی کشورهای جنوب را می‌توان نام برد (۲۳).

در یک جامعه، نهادهای دولتی، ظرفیت مشخص و محدودی دارند و بدیهی است که این نهادهای دولتی تا حدودی می‌توانند در حوزه پیشگیری از جرم اقدام‌های لازم را به کار گیرند (۲۴). پیشگیری از جرم محیط زیستی مثل تمام رویکردهای پیشگیری از جرم، باید فعالیت و مشارکت مردم را به عنوان بخشی از استراتژی کلی دربر داشته باشد. بعضی از انواع مشارکت می‌توانند مبتنی بر مدل مراقبت از محله، پایش و نظارت باشد، برای مثال می‌توان از طرح‌های مراقبت از ساحل نام برد که در آن‌ها با به کارگیری حضور مردم در سواحل، مسؤولین را از حضور صیادان غیر قانونی و تغییر شرایط محیط زیستی آگاه می‌کنند (۲۵). آنچه که از آن تحت عنوان سیاست جنایی مشارکتی یا همراه با مشارکت وسیع جامعه مدنی یاد شده است (۲۶).

اعلامیه ریو اصل مشارکت را بدین صورت در ماده ۱۰ خود پیش‌بینی کرده است: بهتر است مسائل مربوط به محیط زیست با مشارکت همه شهروندان ذی‌ربط در سطحی مطلوب بررسی گردد. در سطح ملی هر فرد باید کاملاً به اطلاعاتی که مقامات عمومی در مورد محیط زیست در اختیار دارند، از جمله اطلاعات مربوط به مواد و فعالیت‌های خطرناک در منطقه، دسترسی داشته باشد و در روند اتخاذ تصمیمات مشارکت نمایند (۲۷). به عنوان مثال در ایالات متحده آمریکا، حق مشارکت شهروندان در امور محیط زیستی از طریق نقد و اخطار فراهم شده است (۲۸)، البته لازم به ذکر است که امروزه در ایالات متحده آمریکا در مواردی که یک شهروند به خاطر مشارکت در امر پیشگیری از جرم، مصدوم می‌شود یا زیان می‌بیند به وی غرامت می‌پردازند (۲۹). مهم‌ترین نتیجه‌ای که دسترسی به اطلاعات زیست محیطی در پی دارد، مشارکت شهروندان در امور محیط زیست است، چراکه شهروندان با دستیابی به این اطلاعات می‌توانند در این امور مشارکت نموده و جلوی سودجویی‌های نهادهای مختلف را

برنامه پیشگیرانه پرداخته و تحلیل هزینه - فایده در مورد آن انجام داد. در این راستا بند ۴ ماده ۳ قانون پیشگیری از وقوع جرم مصوب ۱۳۹۴، بیان می‌دارد که یکی از وظایف شورای عالی پیشگیری از وقوع جرم، ارزیابی نتایج اجرای طرح‌ها و برنامه‌های ملی پیشگیری، سنجش و پیگیری عملکرد نهادهای مسؤول در این زمینه است.

۵-۲- اصل دانش محوری سبز: بند ۱۱ اعلامیه در این رابطه بیان می‌دارد که «راهبردها، سیاست‌ها، برنامه‌ها و فعالیت‌های پیشگیری از جرم باید بر دانش گسترده و جامع درباره مسائل جرم، علل چندوجهی آن‌ها و تجربیات موفق و امیدبخش در زمینه‌های پیشگیری، مبتنی باشد.» برای آنکه پیشگیری از جرم مؤثر باشد، باید سیاست‌ها و برنامه‌های موجود در این زمینه، بر اساس معیارها و موازین علمی، اتخاذ و اجرا شود. به این معنا که خواه در فرآیند سیاست‌گذاری و خواه در فرآیند اجرای برنامه‌ها و طرح‌های پیشگیرانه، باید ملاحظات و آموزه‌های علمی مورد توجه قرار گیرد. این امر در رابطه با پیشگیری از آسیب‌ها و جرایم زیست‌محیطی کاملاً مشهود است، چراکه عمده آثار مخرب بر محیط زیست ناشی از رشد تکنولوژی در حوزه‌های مختلف بوده که برای پیشگیری از ورود آسیب و ارتکاب جرم، معرفی تکنولوژی جایگزین یا استفاده از فناوری در جهت پیشگیری وضعی از ورود آسیب و ارتکاب جرایم زیست‌محیطی است. در این راستا، امروزه صحبت از اقتصاد سبز به عنوان آموزه معرفی‌کننده راه‌کارهای اقتصادی هماهنگ با محیط و حسابداری سبز در جهت پایش اقدامات شرکت‌های تجاری در تعامل با محیط زیست مطرح شده است.

با ملاحظه «سیاست‌های کلی محیط زیست» که در قالب اصل ۱۱۰ قانون اساسی از سوی رهبری ابلاغ شده مشخص است که یکی از مؤلفه‌های مهم در پیشگیری از آسیب‌های زیست‌محیطی، روی آوردن به فناوری سبز است. در این رابطه بند ۸ سیاست‌های کلی فوق، گسترش اقتصاد سبز را با تأکید بر مفاد زیر بیان می‌دارد:

۱- صنعت کم‌کربن، استفاده از انرژی‌های پاک، محصولات کشاورزی سالم و ارگانیک و مدیریت پسماندها و پساب‌ها با

بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های اقتصادی، اجتماعی، طبیعی و زیست‌محیطی؛

۲- اصلاح الگوی تولید در بخش‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی و بهینه‌سازی الگوی مصرف آب، منابع، غذا، مواد و انرژی به ویژه ترویج مواد سوختی سازگار با محیط زیست؛

۳- توسعه حمل و نقل عمومی سبز و غیر فسیلی از جمله برقی و افزایش حمل و نقل همگانی به ویژه در کلان‌شهرها.

ملاحظه می‌شود که در این سند بالادستی نیز یکی از طرق پیشگیری از آسیب‌های زیست‌محیطی را توسل به فناوری و دانشی است که مانع از تخریب و آسیب به محیط زیست است. از جمله این موارد می‌توان به فناوری استفاده از انرژی خورشیدی به عنوان جایگزین سوخت فسیلی یا استفاده از سوخت‌های زیستی و برق در وسایل حمل و نقل نام برد.

در اصل پیشگیری از ضرر زیستی نیز دانش سبز به ما یادآور می‌شود که ضررهای زیست‌محیطی دارای قلمرو وسیع و گسترده‌ای هستند، لذا در ارتکاب انواع جرایم زیست‌محیطی ضرر مستتر بوده و در هر جرم زیست‌محیطی، ضرر زیستی مطرح است. شاید در زمانی نه‌چندان دور، حمایت از گونه‌های جانوری دارای اهمیت چندانی نبود، در حالی که انهدام گونه‌های جانوری در حال انقراض یک ضرر زیستی فرض می‌شود یا این‌که در جرایم زیست‌محیطی، از ضررهای فراملی صحبت می‌شود و نوعی سازمان‌یافتگی در ارتکاب این جرایم مشاهده می‌گردد، لذا شایسته است که مطالعات در حوزه اصل پیشگیری از ضرر زیستی گسترش یابد تا راه‌حلی‌های بهتر و علمی‌تری در جهت پیشگیری از ضرر زیستی به سیاست‌گذاران و تمامی شهروندان ارائه گردد تا با پیشگیری از جرایم زیست‌محیطی اصل پیشگیری از ضرر زیستی نیز تحقق پیدا کند.

۶-۲- اصل رعایت موازین حقوق بشری در سیاست‌های

پیشگیرانه سبز: یکی از حقوق بنیادین بشری که در قالب نسل سوم حقوق بشر جای می‌گیرد، حق بر محیط زیست سالم است. به وجود آمدن نسل سوم حقوق بشر نیز مولود نیازهای جدید بشری و اقتضات دنیای مدرن است. مهم‌ترین حقوق نسل سوم حقوق همبستگی شامل حق توسعه، حق

صلح، حق برخورداری از محیط زیست سالم و... است (۳۰). حق بر محیط زیست سالم همانند سایر حقوق مدنی و سیاسی برای توسعه پایدار حائز اهمیت است و این موضوع در دهه‌های اخیر مورد پذیرش قرار گرفته است (۳۱). حمایت و حفاظت از محیط زیست به عنوان یکی از ارزش‌های اساسی و اصلی جامعه و یکی از دغدغه‌های نظام حقوقی هر کشوری است، به گونه‌ای که حق بر محیط زیست سالم در کنار سایر ارزش‌های متعالی و پایه‌ای همانند حق حیات، حق سلامتی و حق بر زندگی مناسب، قرار گرفته است (۳۲). بنابراین می‌توان بیان داشت که پیشگیری از جرم به طور کلی و پیشگیری از جرائم زیست محیطی حق هر یک از اعضای جامعه است که باید اقدامات لازم در جهت احقاق آن صورت گیرد.

از سوی دیگر برخی از اقسام پیشگیری ماهیتاً مداخله‌گر هستند، برای مثال در پیشگیری رشدمدار، لزوماً برنامه‌های پیشگیرانه وارد حریم خصوصی خانواده شده و سعی در اصلاح نوع و شیوه رشد و تربیت کودک دارد. بسیاری از برنامه‌های پیشگیرانه وضعی نیز دارای ظرفیت‌های نقض موازین حقوق بشری هستند. مثال مشخص این امر، نصب دوربین در محل‌هایی است که ظن ارتکاب جرم در آنجا بالا است، این نوع از پیشگیری بعضاً ممکن است با حق بر خلوت افراد در تعارض قرار گیرد. مثالی که در حوزه محیط زیست وجود دارد آن است که ممکن است به علت ضعیف‌شدن پوشش گیاهی در منطقه‌ای، هر گونه چرای دام در آن منطقه ممنوع شود یا ممکن است در فصول خاصی جهت حمایت از زاد و ولد حیوانات شکار ممنوع باشد، چنین تدبیری ممکن است در نظر نخست خلاف حق شخص در انتخاب نوع کسب و کار در هر جا و مکانی باشد. در این راستا می‌توان شرکت تولیدی را مثال زد که با ۵۰ کارگر دارای خط تولیدی است که با استانداردهای سازمان حفاظت محیط زیست تطابق ندارد، ممکن است بازپرس مطابق با ماده ۲۴۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در قالب قرار نظارت قضایی مانع از ادامه فعالیت شخص حقوقی شود. چنین تصمیم پیشگیرانه‌ای، در جامعه‌ای که در آن یافتن شغل امر دشواری است، به طور مستقیم مرتبط با حق کارگران بر داشتن شغل بوده و به طور غیر

مستقیم نیز با زندگی آن‌ها و تأمین مایحتاج اولیه زندگی‌شان مرتبط است. بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که ممکن است یک تصمیم پیشگیرانه در جهت تأمین حق بر محیط زیست تمامی شهروندان جامعه، منتهی به نقض حقوق برخی دیگر گردد، به نظر می‌رسد که در این موارد باید تدابیر حمایتی از اشخاصی که ممکن است از این تصمیم پیشگیرانه مستقیم یا غیر مستقیم متأثر شوند، صورت گیرد، مثلاً در رابطه با مورد فوق تدابیر حمایتی همچون الزام کارفرما بر پرداخت حقوق کارگران و یا پرداخت بیمه بیکاری را می‌توان در نظر قرار داد. اصل رعایت موازین حقوق بشری در سیاست‌های پیشگیرانه سبز در اصل پیشگیری از ضرر زیستی نیز می‌تواند کارگشا باشد. بدین معنا که به موجب این اصل به مخاطبان هشدار داده می‌شود که به هر بهایی نمی‌توان از ضرر زیستی پیشگیری نمود و اصول اخلاق زیستی در ارائه راه حل‌های مناسب نباید حقوق بنیادین بشری را نقض نماید.

۷-۲- اصل همبستگی و تمایز: در جرم‌شناسی نیز با

توجه به جنبه‌های جهانی آسیب‌های زیست محیطی، جرم‌شناسی جهان بوم مطرح شده است. جرم‌شناسی جهان بوم زیرمجموعه‌ای از جرم‌شناسی سبز است که تمرکز خود را بر تحلیل عدالت زیست محیطی، ضرر جرم زیست محیطی فراملی و موازین عدالت قرار داده است. تمرکز مطالعاتی در این حوزه در ارتباط با موضوعاتی چون تغییرات اقلیمی، کاهش تنوع زیستی و آلودگی است (۳۳). بنابراین در حوزه برنامه‌های پیشگیری از جرم می‌توان با استفاده از جرم‌شناسی جهان بوم، مؤلفه‌های فراملی را نیز لحاظ کرده و برنامه جامعی را ارائه داد.

بندهای ۱۳ و ۱۴ اعلامیه به اصول همبستگی و تمایز در برنامه‌های پیشگیرانه پرداخته است. در رابطه با همبستگی، بیان می‌شود که «مطالعات آسیب‌شناختی و راهبردهای ملی پیشگیری از جرم، حسب مورد، باید ارتباط بین مسائل محلی جرم و جرایم سازمان‌یافته بین‌المللی را مد نظر قرار دهد.» همچنین در ادامه، بند بعد به اصل تمایز در پیشگیری می‌پردازد: «راهبردهای پیشگیری از جرم باید در صورت لزوم توجه لازم به نیازهای متفاوت زنان و مردان معطوف داشته و نیازهای خاص اعضای آسیب‌پذیر جامعه را مورد توجه قرار

هر یک دارای ویژگی‌هایی هستند که پیشگیری از آن‌ها باید ویژه همان جرم طراحی شود. همچنین باید این امر را مورد توجه قرار داد که منطقه جغرافیایی که برنامه پیشگیری در آن اجرا می‌شود، دارای اهمیت است. برای مثال برنامه پیشگیرانه زیست‌محیطی در مناطق شمالی کشور باید با مناطق مرکزی کم‌پوشش باید متفاوت باشد. به عبارت دیگر باید برنامه‌های پیشگیرانه را در حوزه محیط زیست، بومی و منطقه‌ای کرد.

نتیجه‌گیری

امروزه جرایم زیست‌محیطی به عنوان یکی از بحران‌های اصلی، در رأس اولین دغدغه‌های هر حکومتی قرار گرفته است. پیشگیری از ارتکاب این دسته از جرایم که آثار مخرب و زیانباری بر محیط زیست و سلامت انسان دارند به عنوان یک قاعده طلایی مطرح است، چراکه در بسیاری از جرایم زیست‌محیطی، اعاده وضع به سابق کاری بس دشوار است و ضمانت‌های کیفی همچون جزای نقدی یا حبس به صورت مستقیم به مبارزه و مقابله با این دسته از جرایم نمی‌پردازد. زمانی می‌توان به حمایت همه‌جانبه از محیط زیست پرداخت که اولین و بنیادی‌ترین راه را برگزید و آن پیشگیری است. در این میان، سیاستگذاری‌های سازمان ملل متحد رهنمودهایی را پیش روی ما می‌گذارد که عملی نمودن آن‌ها گامی مثبت و سازنده در پیشگیری از جرایم زیست‌محیطی است. این اصول عبارتند از: اصل راهبری دولت، اصل پیشگیری از جرم در سیاستگذاری‌های اجتماعی و اقتصادی، اصل مشارکت جامعه مدنی، پایداری و محاسبه‌گری، دانش‌محوری سبز، رعایت موازین حقوق بشری، و همبستگی و تمایز.

نتایج این مطالعه نشان از آن دارد که جرایم زیست‌محیطی با سایر جرایم دارای اشتراکاتی هستند که منجر به رعایت اصول کلی حاکم بر پیشگیری در برنامه‌های خاص پیشگیری از جرایم زیست‌محیطی شده است، اما باید در رعایت اصول فوق به ویژگی‌های خاص جرایم زیست‌محیطی، مرتکبین آن و بزه‌دیدگان جرایم زیست‌محیطی نیز توجه شود، چراکه این اصول به نحوی تعیین شده‌اند که بتوان آن‌ها را در رابطه با پیشگیری از همه جرایم به کار گرفت. تمامی

دهد.» ملاحظه می‌شود که این دو اصل به نوعی اشاره به داشتن نگاه وحدت‌گرا به مسائل پیشگیری و در عین حال توجه به وجوه افتراقی هر موضوع دارد.

از ویژگی‌های بارز آسیب‌ها و جرایم زیست‌محیطی آن است که مرزهای جغرافیایی را در نوردیده و تبدیل به بحرانی بین‌المللی شده است. از آن جمله، می‌توان حادثه نشت نفت در سواحل آلاسکا و انفجار گاز در بوپال هند را نام برد. در نتیجه حادثه نشت نفت در ۲۴ مارس ۱۹۸۹، ۱۱ میلیون گالن نفت خام در سطح زمین انتشار پیدا کرد، این میزان از نفت در حدود ۲۶۰۰ مایل از منطقه را تحت پوشش قرار داد و آسیب‌های جدی را حتی پس از ۲۰ سال در منطقه آلاسکا به جای گذاشت. همچنین در حادثه انفجار گاز در بوپال هند در سال ۱۹۸۴ که متعلق به یک شرکت آمریکایی بود، بر اساس برآوردهای اولیه ۳۸۰۰ نفر کشته و ۲۰ هزار تن زخمی شدند، اما تنها دو دهه بعد از این حادثه رقم کشته‌شدگان به ۸۰۰۰ نفر رسید و متعاقب ۱۲۰۰۰ نفر دیگر به قربانیان این حادثه اضافه شدند. از همین رو از این حادثه به عنوان بزرگ‌ترین فاجعه صنعتی نام برده می‌شود. در حدود ۲۰ سال پس از این حادثه دولت هند اعلام کرد که بیش از نیم میلیون نفر در معرض خطرات ناشی از انتشار گاز هستند (۳۴).

برنامه‌های پیشگیرانه در عین حال که باید جامع و همه‌گیر باشد، باید نسبت به هر جرم، مجرم، بزه‌دیده، جامعه و دولتی که برنامه پیشگیری در آن انجام می‌شود، متمایز و منحصر به فرد باشد. به عبارت دیگر «پیشگیری افتراقی» بر آن است تا متناسب با نوع جرم، مرتکب، بزه‌دیده، شرایط و اوضاع احوال و حتی زیست بومی که جرم در آن واقع شده است، برنامه پیشگیرانه ویژه‌ای را ارائه دهد. بدین ترتیب باید برنامه پیشگیرانه‌ای که برای حمایت از حیات یک حیوان در معرض انقراض طراحی می‌شود، متفاوت از سیاست پیشگیرانه منع شکار غیر مجاز باشد.

نتیجه آنکه در برنامه‌های پیشگیرانه در حوزه محیط زیست، باید توجه داشت که موضوع پیشگیری جرایم زیست‌محیطی دارای ویژگی‌های خاص خود است، در مرتبه بعد باید مد نظر داشت که طیف گسترده جرایم زیست‌محیطی،

دستورالعمل‌ها و رهنمودهای سازمان ملل متحد، تأکید صریحی بر پیشگیری از جرایم زیست‌محیطی دارند که اگر این مهم عملی شود یکی از اصول مهم اخلاق زیستی که همان اصل پیشگیری از ضرر زیستی است، تحقق پیدا می‌کند. سازمان ملل متحد به عنوان یک کنشگر جامعه بین‌المللی مقوله پیشگیری از این دسته از جرایم را در قالب دستورالعمل‌های مطروحه مد نظر قرار داده است. در واقع این دستورالعمل‌ها در چارچوب اصول حقوق بشری و با نظر به اصل اخلاقی ضررنرسانی به مقوله پیشگیری از ضرر زیست‌محیطی پرداخته‌اند.

بنابراین مطالعات و پیشنهادهای سازنده‌ای که از طرف اندیشمندان حوزه اخلاق زیستی در خصوص تحقق اصل پیشگیری از ضرر زیستی ارائه می‌گردد، بایستی در پرتو رهنمودهای سازمان ملل متحد باشد، چراکه این رهنمودها پیشگیری از ضرر زیستی در جرایم زیست‌محیطی را به هر بهایی مجاز نمی‌شمارد و بایستی در کنار اصل پیشگیری به حقوق بنیادین بشری نیز توجه شود و از آنجایی که اصول اخلاق زیستی در پرتو تحقق حقوق بشر معنا پیدا می‌کند، توجه به این رهنمودها می‌تواند در مطالعات اصل پیشگیری از ضرر زیستی و پیشگیری از جرایم زیست‌محیطی، مناسب‌ترین تصمیم‌ها را در زمینه پیشگیری در این حوزه را به منصف ظهور برساند. همچنین دولت در جهت اقتدار حاکمیت، پیشگیری از جرایم زیست‌محیطی را به عنوان مهم‌ترین اقدام خود در سیاست‌گذاری‌های مختلف با مد نظر قراردادن اصل همبستگی و تمایز مورد توجه قرار دهد، چراکه نظر به «پیشگیری‌های افتراقی»، بایستی برنامه‌های پیشگیرانه را در حوزه محیط زیست بومی و منطقه‌ای کرد.

به منظور پیشگیری از آسیب‌ها و جرایم زیست‌محیطی، مشارکت جامعه مدنی در عرصه محیط زیست از طریق فراهم نمودن دسترسی شهروندان و توانمندسازی آنان و نیز حمایت از سازمان‌های مردم‌نهاد و جامعه‌محور توصیه می‌گردد.

References

1. Lab S. Crime prevention, Approaches, practices and Evolutions. London: Anderson publishing co; 1998.
2. Rahiminejad E. Criminology. Tabriz: Forouzes Publication; 2014. [Persian]
3. Mashadi A. Environmental Law in France. Tehran: Khorsandi Publication; 2013. [Persian]
4. Heidarzadeh E, Mozaffarizadeh S. Prevention of Environmental Crime. *Bioethics Journal* 2013; 3(7): 163-192. [Persian]
4. Rahbar Pour MR. The Concept of Biological Ethics and Its Territory. *Bioethics Journal* 2011; 1(1): 13-48. [Persian]
5. Zare Mahdavi GH, Danesh Nari HR. International Security and Environmental Crime. Tehran: Mizan Publication; 2016. [Persian]
6. White R. Transnational Environmental Crime to the Criminology of the Boom World. Translated by Daneshvari HR. Tehran: Mizan Publication; 2016.
7. Ghasemi N. Environmental Criminal Law. Tehran: Khorsandi Publication; 2012. [Persian]
8. Roustayi M. Innovative Justice; case study of ecological justice. *Jurisprudence and law Quarterly Book Review* 2015; 5(2): 181-196. [Persian]
9. White R, Heinz F. Crime and Criminology, Crime and Despotism Theories. 18th ed. Translation by Salimi A. Qom: Jafari Publication; 2016.
10. White R. Crimes against Nature, Environmental Criminology and Environmental Justice. Translated by Namamian P, Tayyebi S. Tehran: Majd; 2015.
11. Bernal SK. Bioethics and Law Forum, Twin Autonomy. *Journal of Andrology* 2004; 25(1): 2-4.
12. Shamlou B, Ahmadi A, Khosroshahi G. Criminalism, Green Science. *Quarterly Journal of Criminal Law Research* 2016; 6(20): 37-67.
13. Akrami F, Karimi A, Abbasi M, Shahrivari A. Adapting the principles of biomedical ethics to Islamic principles and values in the context of public health policy. *Journal for the Study of Religions and Ideologies* 2018; 17(49): 46-59.
14. Ghasemzadeh R. Examining the dimensions of environmental rights with emphasis on environmental pollution prevention aspects. *Allameh Quarterly* 2008; 2(1): 115-220. [Persian]
15. Ramezani M. Study of the content of the principle of participation in international environmental law. *Allameh Quarterly* 2011; 3(1): 87-114. [Persian]
16. Mousavi F, Arash pour A. The Place of Caution in International Environmental Law. *Journal of Public Law Studies* 2015; 45(2): 167-179. [Persian]
17. Abbasi M, Gholami N. An Introduction to the Concept of State Crime in the View of Biological Ethics. *Bioethics Journal* 2012; 18(48): 83-97. [Persian]
18. Raeesi L. The Relationship of Environmental Protection to Peace and Sustainable Development. *Journal of Faculty of Literature and Humanities* 2009; 3(10): 121-139.
19. Lavasani A. International Conference on the Environment in Rio, Bureau of Political and International Studies. London: Cambridge University Press; 1997. p.13.
20. Salimi Torkamani H. Investigation of the environmental problem Lake Urmia in terms of International Environmental Law. *Strategic Journal* 2012; 20(58): 177-202. [Persian]
21. Fathholahi S. Participatory Criminal Policy from the Perspective of United Nations Criminal Policy. *Journal of Justice* 1999; 24(1): 188-200.
22. Miratheeri E. The role of nongovernmental organizations in supporting and promoting environmental norms in Iranian law. Tehran: Master's degree in environmental law, Faculty of Law, Shahid Beheshti University; 2008. p.151. [Persian]
23. Richard N. Gardner A. Negotiating survival: four priorities After Rio. Washington: Council on Foreign Relations Press; 1992. p.35-36.
24. Nizpiarpour A. Ph.D Criminology Courses, Criminal Law and Criminology. Tehran: Shahid Beheshti University; 2016. p.262. [Persian]
25. White R. Crimes against nature. Translated by Emamian N, Tayebi S. Tehran: Majd Publications; 2015. p.262. [Persian]
26. Lazarje C. An Introduction to Criminal Policy. Translated by Najafi Abrandabadi A. 5th ed. Tehran: Mizan Publication; 2016. [Persian]
27. Firozmand L. International Law on the Environment: the principle of partnership and the right to free access to information. *Journal of the Center of Attorneys at Law* 2016; 68(235): 109-211.
28. Moradi H. International Environmental Law. Tehran: Mizan Publication; 2014. p.100. [Persian]
29. Jamshidi A. Cooperative Criminal Policy. Tehran: Mizan Publication; 2012. p.114. [Persian]

-
30. Mashhadi A. The Right to a Healthy Environment. Tehran: Mizan Publication; 2014. p.35. [Persian]
31. Zohreh Wendy M. Role of the Judiciary in Environmental Matters. Tehran: Master's Degree in Environmental Law, Law School, Shahid Beheshti University; 2012. p.19. [Persian]
32. Molaei Y. Third Generation of Human Rights and the Right to a Healthy Environment. *Quarterly Journal of Law* 2007; 4(1): 273-296. [Persian]
33. Georgian Fard H. Green Criminology. Tehran: Mizan Publication; 2016. p.154-161. [Persian]
34. Danesh Nari H, Moradfar A. Criminology of the Boom World: A New Approach to International Criminology Studies. *International Police Study Journal* 2016; 21(1): 51-74.